**Research paper**

**Explaining the security strategy of the Islamic Republic of Iran towards Afghanistan**

**Afshin Mottaqi dastnae**

Corresponding Author, Associate Professor, Department of Political GeographyFaculty of Geographical Sciences, University of Kharazmi, Tehran, Iran.

Email: [a.mottaghi@khu.ac.ir](mailto:a.mottaghi@khu.ac.ir) [orcid](https://www.orcid.org/0000-0002-2557-3951) 0000-0000-0000-0000

**Hassan Yaghoubnia**

Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran.

Email: [yaghoubnia@meybod.ac.ir](mailto:yaghoubnia@meybod.ac.ir) [orcid](https://www.orcid.org/0000-0002-2557-3951) 0000-0000-0000-0000

**Shirkhan Anwari**

Ph.D. student of Political Geography, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

Email: [anwarishirkhan03@gmail.com](mailto:anwarishirkhan03@gmail.com) [orcid](https://www.orcid.org/0000-0002-2557-3951) 0000-0002-5647-1130

#### Abstract

A long time has passed since the forced separation of the neighbors from Iran's civilized territory; This civilizational center, with its position as a crossroads in the geography of West Asia, has always had a legacy of hidden and open threats from its neighbors. Among Iran's 15 neighbors, Afghanistan is the unic among others; Because in the past few decades, Iran has been at the forefront of threats of Afghanistan. With the Rushing out of America from Afghanistan, the balance of power once again changed in favor of the Taliban, and the security puzzle of Afghanistan took on new dimensions. Therefore, the authors were looking for an answer to the question: "What are the ideal strategies of the Islamic Republic of Iran to regulate the neighborhood relations with the Afghanistan?" The research inputs have been collected in the library method and analyzed in the framework of components of security, neighborhood policy and economic diplomacy; The methodology of the text has a descriptive-analytical. The findings of the research show that the Islamic Republic of Iran should adjust its relations with its eastern neighbor with a strategic approach in such a way that through active economic diplomacy and gaining the support of the international community, it can deal with the triple threats reproduced in Turn the Afghanistan field of the Taliban into economic and security opportunities for yourself. The result of the research showed that it is possible to solve the security mystery of Afghanistan with the effectiveness of Iran's economic diplomacy and the cooperation of effective regional and extra-regional actors.

**Keywords:** Afghanistan, opium, refugees, Islamic fundamentalism, neighborhood policy, economic diplomacy.

**E-ISSN: 2588-6541 / Center for Strategic Research / Quarterly of Foreign Relations**

Quarterly of Foreign Relations is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

[Creative Commons License](http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

[**10.22034/fr.2023.389777.1361**](10.22034/fr.2023.389777.1361)

**مقاله پژوهشی**

**تبیین راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران**

**در قبال افغانستان**

**افشین متقی دستنائی**

نویسنده مسئول، دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: [a.mottaghi@khu.ac.ir](mailto:a.mottaghi@khu.ac.ir) [orcid](https://www.orcid.org/0000-0002-2557-3951) 0000-0000-0000-0000

**حسن یعقوب نیا**

استادیار گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران.

Email: [yaghoubnia@meybod.ac.ir](mailto:yaghoubnia@meybod.ac.ir) [orcid](https://www.orcid.org/0000-0002-2557-3951) 0000-0000-0000-0000

**شیرخان انوری**

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Email: [anwarishirkhan03@gmail.com](mailto:anwarishirkhan03@gmail.com) [orcid](https://www.orcid.org/0000-0002-2557-3951) 0000-0002-5647-1130

چکیده

دیرزمانی است که از جدایی اجباری همسایگان، از قلمرو تمدنی ایران می‌گذرد؛ این مرکز تمدنی، با موقعیت پیوندگاهی در جغرافیای غرب آسیا، همواره میراث‌دار تهدیدات پنهان و آشکار از سوی همسایگان خود بوده است. در میان 15 همسایه ایران، افغانستان یگانه است؛ چراکه در چند دهه گذشته، ایران در خط مقدم تهدیدات جهانی صادره از سوی افغانستان قرارداشته است. با خروج آمریکا از افغانستان، بار دیگر معادلات قدرت به نفع طالبان دچار تغییرشد و معمای امنیتی افغانستان ابعاد جدیدی به خود گرفت. ازاین‌رو، نگارندگان در پی پاسخ به این سؤال بودند که، راهبرد مطلوب فراروی جمهوری اسلامی ایران برای تنظیم مناسبات همسایگی با افغانستان چیست؟ درون‌دادهای پژوهش به روش کتابخانه‌ای گردآوری و در سپهر مؤلفه‌های مفهومی و نظری امنیت، سیاست همسایگی و دیپلماسی اقتصادی مورد بررسی قرارگرفته است؛ روش‌شناسی حاکم بر متن از ماهیتی توصیفی- تحلیلی برخوردار است. یافته‌های پژوهش بیانگر این است که جمهوری اسلامی ایران بارویکردی راهبردی، می‌بایست مناسبات خود را با همسایه شرقی به‌گونه‌ای تنظیم کند تا از رهگذر دیپلماسی فعال اقتصادی و جلب همراهی جامعه جهانی، بتواند تهدیدات سه‌گانه بازتولید شده در میدان افغانستانِ طالبان را به فرصت‌های اقتصادی و امنیتی تبدیل نماید. نتیجه پژوهش نشان داد که حل معمای امنیتی افغانستان در سایه فاعلیت دیپلماسی اقتصادی ایران و همراهی بازیگران مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر است.

**کلیدواژه‌ها:** افغانستان، پناهجویان، بنیادگرایی اسلامی، سیاست همسایگی، دیپلماسی اقتصادی.

**شاپای الکترونیک: 6541-2588/ پژوهشکده تحقیقات راهبردی/ فصلنامه روابط خارجی**

[Creative Commons License](http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)

[**10.22034/fr.2023.389777.1361**](10.22034/fr.2023.389777.1361)

**مقدمه و بیان مسئله**

همسایه از همسایه ارث می‌برد؛ این ضرب‌المثل کهن، نمودی از اهمیت و جایگاه حیاتی و بنیادی همسایه در اندیشه ایرانی است. اما این سخن پیشینیان که پهنایی به‌اندازه تاریخ دارد، نکته عمیق و درعین‌حال مبهمی در خود جای‌داده است. بااینکه هرگز در عالم واقع، همسایه میراث‌دار اموال همسایه خود نبوده است؛ اما چیزی گران‌بهاتر از آن، برای همسایه خود به ارث می‌گذارد. احساس امنیت، کلیدواژه همسایگی است. درواقع این امنیت است که به ارث می‌رسد؛ اما متأسفانه درچند دهۀ گذشته، ایران از این ارث محروم بوده است. درهای همسایگان ایران یا بسته‌بوده یا اگر گشوده بوده‌اند از آن‌ها تهدید و تنش سرازیر شده است. در میان این همسایگان، افغانستان کشوری ویژه با تهدیدات امنیتی خاص است؛ به‌طوری‌که می‌توان آن را یگانه کشوری در جهان با این جنس از تهدیدات دانست. کریمی‌پور معتقد است: «افغانستان با 57 منبع تنش و مشاجره پایه‌ای با همسایگانش تقریباً در قبال هر همسایه، 10 منبع مشاجره فعال یا پنهان دارد». وی ایده‌ای بس گران و سنگین مطرح می‌کند؛ به باور او «اگر ایران تنها با کشور افغانستان‌هم‌مرز بود، آسیب‌پذیری‌های ناشی از تعدد منابع مشاجره با این دولت، برای دغدغه‌های بلندمدت امنیتی‌اش کافی به نظر می‌رسید» (کریمی پور، 1379، ص. 90). هرچند این حقیقت بسیار تلخ است ولی درعین‌حال نیز، نیازمند توجه ویژه و راهبردی در جهت رفع آن است.

به نظر باید سرنوشت تلخ افغانستان را در چهار دهه مستمر جنگ داخلی آن جست‌وجو کرد؛ جنگ‌هایی که باعث‌شد تا این کشور، به یکی از کشورهای ناامن، متشنج، خطرناک و فقیر دنیا تبدیل شود. حائل بودن افغانستان را می‌توان یکی از مؤلفه‌های اساسی جذابیت آن برای حضور نیروهای خارجی دانست؛ چراکه همین موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در اواخر قرن نوزدهم، افغانستان را به یک کشور حائل بین روسیه و انگلستان تبدیل کرد و نهایتاً به اشغال انگلستان درآمد (حافظ‌نیا، 1400). با اجبار قهری و نظامی بریتانیا، افغانستان از ایران جدا شد؛ اما هنوز به‌عنوان عضوی جدایی‌ناپذیر از خانواده ایران باقی‌مانده است. با حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان در دهه 80 و نیز حمله همه‌جانبه ایالات‌متحده آمریکا در اوایل قرن بیست‌ویک، این همسایه میراثی جز سیل پناهجویان، عملیات تروریستی و قاچاق مواد مخدر برای ایران نداشته است. با خروج آمریکا از افغانستان ابعاد جدیدی از تهدیدها و فرصت‌ها در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی فراروی ایران قرارگرفته است. ایران در طی این دو سال تلاش کرده، با مذاکرات و ایجاد روابط دیپلماتیک و احترام دوجانبه، تا حد امکان از تهدیدات به وجود آمده بکاهد. همچنین با برقراری روابط تجاری در کوتاه‌ترین زمان ممکن، ایران توانسته بازار مقصد فروش کالاهای خود را پایدار نگه دارد. بااین‌وجود باید توجه داشت که ایران خط مقدم این سه تهدید جهانی است و رویارویی به‌تنهایی با آن‌ها باعث افزایش نگرانی‌های امنیتی بیشتری خواهد شد. درنتیجه ایران در کنار ایجاد روابط همسایگی پایدار با افغانستان، باید در جهت تقویت سازوکارهای بین‌المللی برای رفع این تهدیدات فعال شود. با توجه به تصویری که از وضعیت کنونی افغانستان ترسیم شد، این پرسش اساسی قابل طرح است که راهبرد مطلوب فراروی جمهوری اسلامی ایران برای تنظیم مناسبات همسایگی خود با افغانستانِ طالبان کدام است؟ جمهوری اسلامی ایران بارویکردی راهبردی، باید مناسبات خود را با همسایه شرقی به‌گونه‌ای تنظیم کند تا از رهگذر دیپلماسی فعال اقتصادی و جلب همراهی جامعه جهانی، بتواند تهدیدات سه‌گانه بازتولید شده در میدان افغانستانِ طالبان را به فرصت‌های اقتصادی و امنیتی تبدیل نماید. ازهمین‌رو در این پژوهش بر آنیم راه‌کار کاربردی خود را با نگاهی توصیفی- تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به شیوه‌ای کتابخانه‌ای، در سپهر مؤلفه‌های مفهومی و نظری «امنیت»، «سیاست همسایگی» و «دیپلماسی اقتصادی» تدقیق کنیم.

**1.پیشینه پژوهش**

نوشتار پیشِ‌رو به‌مانند پژوهش‌های علمی صورت‌گرفته، ناشی از تهدیدات امنیتی دائمی و هر روزه‌ای است که از سوی افغانستان متوجه ایران و در مرحله بعد، جهان شده است. در ارتباط با موضوع پژوهش، مطالعاتی با عناوین ذیل مورد بررسی و شناسایی قرارگرفت، که نگارندگان را همچون چراغ راهی، درجهت رسیدن به ایده‌ای جدید راهنما بود.

«عسکری کرمانی و صفار» (1401) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان»، «اسماعیلی و فراهانی» (1401) در مقاله «[پیامدهای امنیتی خروج آمریکا از افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران: با تاکید بر گسترش تحرکات گروهک‌های تکفیری و تروریستی](https://frqjournal.csr.ir/article_166421_7d6e4739902ffa29b9e7e556523db2e3.pdf)»، «حسینی و دیگران» (1401) در نوشتار «[مسئولیت حمایت و‌ استیلای طالبان بر افغانستان درپرتو دیالکتیک هنجارهای بشری](https://frqjournal.csr.ir/article_166425.html)»، «منوری و دیگران» (1401) در مقاله‌ای با عنوان «[راهبرد چین جهت گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا](https://frqjournal.csr.ir/article_160974.html)»، «ترابی‌فرد و دیگران» (1401) در نوشتاری با عنوان «[خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به‌مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران](https://frqjournal.csr.ir/article_166422.html)»، «یوسف زهی و دیگران» (1397) در مقاله «آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (2018-2001)»، «رامیار و دیگران» (1397) در نوشتار «نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی- اجتماعی افغانستان»، «خلیلی و دیگران» (1392) در مقاله «پیوندِ کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)»، «عباسی و رنجبردار» (1390) در مقاله‌ای با عنوان «کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن» و «کریمی‌پور» (1379) در کتابی با عنوان «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)» از مباحث گوناگونی در حوزه افغانستان سخن به میان آورده‌اند. این پژوهش تحت تأثیر قدرت‌گیری طالبان، طرحی نو را در قبال تهدیدات افغانستان، مدنظر قرارداده است؛ به‌طوری‌که با بررسی سه چالش بنیادین در جغرافیای سیاسی افغانستان، به دنبال ارائه راهبردی ملی برای تبدیل تهدیدهای افغانستان به فرصت‌های سیاسی، امنیتی و به‌ویژه اقتصادی است.

**2. مبانی نظری**

برای تبدیل میراث سراسر ناامنی و تهدید همسایه شرقی ایران، با استفاده از سه مؤلفه و مفهوم اصلی ذیل عناوین «امنیت»، «سیاست همسایگی» و «دیپلماسی اقتصادی»، می‌توانیم قطعات گم‌شده معمای پازل امنیتی افغانستان را تکمیل‌کرده و به تصویری روشن از راه‌کارها و راهبردهای عملی در جهت تأمین منافع ملی ایران دست یابیم.

**2-1. امنیت**

امنیت، مفهوم محوری رابطه ایران با همسایه شرقی خود است. تمامی نوشتار در جهت تأمین این اصل اساسی همسایگی نگاشته شده است. امنیت، واژه‌ای عربی است و معادل‌هایی همچون «ایمن‌بودن و بیم‌نداشتن» دارد. معادل فارسی امنیت در متون کهن «زنهار و زنهاری» عنوان‌شده است. این واژه منعطف، می‌تواند شامل ترس از تهدیدهای بزرگ علیه بشریت و یا مسائل کوچک باشد (متقی، 1395، ص.31). در واژه‌شناسی یا اتیمولوژی امنیت، حس عدم تهدید مهم‌ترین مؤلفه است. درواقع، امنیت احساس برخاسته از وجود ساختارها و فرایندهایی است که در پرتو آن فرد یا واحد خود را در برابر هرگونه گزند (عینی یا ذهنی)، پایدار و ماندگار تلقی کند (کاویانی‌راد، 1390، ص. 82).

**2-2. سیاست همسایگی**

«همسایگی»[[1]](#footnote-1)به‌عنوان مفهومی به درازای تاریخ بشر، هم از منظر عرفی و هم دینی بسیار ارزشمند است. اصطلاح «واحد همسایگی»[[2]](#footnote-2) به‌عنوان مفهومی مبتنی بر توسعه و عمران را اولین‌بار «کلرنس‌پری»[[3]](#footnote-3) در دهة 1920 در تهیه طرح توسعه نیویورک و حومه معرفی نمود. این اصطلاح بعدها از دانش معماری و شهرسازی به دیگر دانش‌های علوم انسانی ازجمله جغرافیا، علوم سیاسی و روابط بین کشورهای مجاور واردشد. «همسایه»[[4]](#footnote-4) واقعیتی جغرافیایی، و همسایگی بیشتر ابعادی عرفی- اخلاقی دارد؛ و اهمیت بحث همسایگی از همین‌جا و از همین تفکیک آغاز می‌شود. این اهمیت با انتقال از فرد به گروه و واحدهای بزرگ‌تر جغرافیایی چون کشورها، ابعادی مضاعف می‌یابد ((Chuny,2006:217.

ازنظر جغرافیای سیاسی، کشور همسایه، کشوری است که با مرز یا سرحد از کشور دیگری جداشده است. مرز، عامل تشخیص و جدایی دو واحد متشکل سیاسی از همدیگر است. روابط بین این دو واحد متشکل سیاسی را روابط بین همسایگی می‌توان نامید. همسایه نه‌فقط آغاز سیاست خارجی یک دولت، بلکه، هم‌زمان با آن، آغاز سیاست‌های امنیتی یک دولت نیز می‌باشد(راوندی و دیگران،1401، ص.3).

نظریــه همســایگی مبتنــی بــر رویکــردی هنجــاری بــه روابــط خارجــی اســت. ایــن نظریــه می‌گویـد کشـوری کـه مبتکـر سیاسـت همسـایگی یـا آغازکننـده ایـن سیاسـت اسـت، بـر مبنای عقلانیت ارتباطـی هزینـه می‌کنـد تـا درآینـده سـود مـادی همسـایگی را برداشـت نمایـد. پیش‌نیـاز اصلـی سیاسـت همسـایگی، ظرفیـت فرهنگـی و تمدنـی بـالا، تاریـخ ممتـد تأثیرگـذاری بـرجوامـع پیرامونـی و جذابیت‌هـای فرهنگـی و تمدنـی است (موسوی‌نیا، 1401، ص. 118).

**2-3. دیپلماسی اقتصادی**

برای حل معمای امنیتی افغانستان، نگرش تک‌بعدی و کوتاه‌مدت، توانایی لازم و کافی را ندارد. درهمین‌راستا، برای ایجاد مناسبات اقتصادی پایدار و امنیت‌محور، باید مجموعه‌ای از عوامل را به‌کار گرفت. دیپلماسی اقتصادی یکی از مؤلفه‌های اساسی در این مسیر است.

دیپلماسی اقتصادی را می‌توان فصل مشترک بین منافع اقتصاد ملی و سایر منافع سیاسی، امنیتی و فرهنگی کشور در سطح نظام اقتصاد سیاسی جهان دانست. دیپلماسی اقتصادی مرتبط با موضوعات سیاسی اقتصادی است و به‌مثابه ابزاری دردستان دیپلمات‌های فعال در این حوزه نزد سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی عمل می‌کند. کنشگران این عرصه در تعاملات دیپلماتیک تلاش دارند تا متناسب با مخاطب و شرایط خود از ابزارهای متنوعی به‌صورت مستقیم و غیرِمستقیم استفاده نمایند. این رفتار در مواردی همچون هویج و چماق گنجانده می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و صالحی، 1391، ص.77-78). دیپلماسی اقتصادی درکلی‌ترین وجه خود درحدِفاصل میان اقتصاد بین‌الملل و سیاست بین‌الملل قرار می‌گیرد و می‌توان آن را به‌عنوان شیوه‌ها و فرایندهایی توصیف کرد که از طریق آن دولت‌ها از فعالیت‌های فرامرزی اقتصادی، برای تحقق منافع ملی خود بهره می‌گیرند (عسکری کرمانی و صفار، 1401، ص. 99). دیپلماسی اقتصادی از سه ویژگی برخوردار است؛ نخستین ویژگی، بین‌ِرشته‌ای بودن آن است که از تعامل میان اقتصاد، سیاست و امنیت ناشی می‌شود و نمایانگر نوعی توازن میان ژئوپلیتیک و ژئواکونومی است. دومین ویژگی، ناظر بر فراوانی کنشگران در دیپلماسی اقتصادی است؛ به این معنا که دیپلماسی اقتصادی در انحصار دولت‌ها نیست و کنشگران غیرِدولتی نیز بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیر می‌گذارند؛ سومین ویژگی دیپلماسی اقتصادی، چند‌سطحی‌بودن آن است. اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی می‌توانند به‌طور هم‌زمان در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی انجام شوند (ارغوانی پیرسلامی و علی‌پور، 1401، ص.32).

**3. یافته‌های پژوهش**

افغانستان را می‌توان در دو سطح ماکرو و میکرو به نظاره نشست. موقعیت حائل این کشور و ویژگی استراتژیک آن باعث شده تا در طول تاریخ همواره محل قدرت‌نمایی نیروهای فرامنطقه‌ای باشد. بریتانیای کبیر برای جلوگیری از ورود و نفوذ روسیه تزاری به سمت هندوستان، این مستعمره بزرگ و ثروتمند، افغانستان را تسخیر و به‌زور از ایران جدا کرد. بعدها روسیه در شکل جدید خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی، تلاشی دوباره را برای تسلط بر افغانستان آغاز نمود. این بار نیز آمریکا با تجهیز مجاهدین افغانستانی موسوم به طالبان توانست مانع ورود دوباره این کشور به این منطقه استراتژیک و حائل شود. این مسئله در اوایل قرن بیست‌ویک بار دیگر با لشکرکشی ایالات‌متحده آمریکا به بهانه حادثه 11 سپتامبر، ابعاد جدیدی به خود گرفت. شاید بتوان‌همسایگی افغانستان با چین را مخرج مشترک دیگری برای جنگ بیست‌ساله خانمان‌سوز دانست. به نظر می‌رسد با خروج آمریکا از افغانستان و با تسلط دوباره طالبان بر این کشور، تا دهه‌ها و شاید سده‌ها هیچ قدرت بزرگی در جهان، خود را وارد این باتلاق عظیم نکند. این کشور تحت تأثیر جنگ‌های خانمان‌سوز به رهبری قدرت‌های بزرگ منشأ سه بحران بزرگ در جهان بوده است که برخی از این بحران‌ها، حاصل ویژگی‌های ذاتی و درونی این کشور، و برخی دیگر نتیجه جنگ‌ها و ناامنی‌های طولانی است. بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، نبود نظارت و دولتی مقتدر این کشور را به بزرگ‌ترین توزیع‌کننده مواد مخدر در جهان تبدیل کرده است. درکنار این بلای صادراتی افغانستان، پناهجویان جنگ‌زده همواره به دنبال مأمنی برای استقرار درجایی غیر از وطن خود بوده‌اند که درنهایت، ایران، پاکستان، اروپا و امروزه ترکیه را مقصد نهایی خود برای رهایی انتخاب کرده‌اند. همچنین فضای قومی، دینی، سنتی، فقر روزافزون و نبود تحصیلات عمومی دولتی باعث شده‌اند تا افغان‌ها در کنار پاکستانی‌ها، بهترین گزینه‌های عضویت در گروه‌های بنیادگرای اسلامی باشند. درواقع این ساده‌ترین توضیح در مورد این سه تهدید جهانی افغانستان بود. باید توجه‌داشت که به‌قدری مسائل افغانستان تحت تأثیر عوامل و مؤلفه‌های پیچیده، نامنظم، نامتعادل و نامتقارن است که یافتن ریشه‌ها، علل و درنهایت راه‌حل‌های این بحران‌ها کاری بس ناممکن می‌نماید. اما تلاش برای حل بخشی از این پازل معمای افغانستان می‌تواند قدمی هرچند کوچک درجهت منافع ملی ایران و حتی امنیت جهانی باشد.

در این نوشتار برای رسیدن به طرحی معنادار از پازل‌های پیچیده و تکه‌تکه افغانستان، ناگزیر به اولویت‌بندی شده‌ایم. سطح اول، تهدیدات جهانی و در سطح دوم، تهدیدهایی که متوجه ایران است را مدنظر قرار داده‌ایم. درهمین‌راستا در بخش اول یافته‌های پژوهش، به کنکاش و تحلیل سه تهدید جهانی افغانستان پرداخته‌ایم. در مرحله دوم، امکان و راه‌حل‌های تبدیل این تهدیدات به فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی برای ایران را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

**3-1. بازتولید سه‌گانه تهدید جهانی در افغانستانِ طالبان**

مشکلات امنیتی و اقتصادی، این کشور را به سمت‌وسوی فضایی برای تولید و توزیع مواد مخدر در جهان، سوق‌داده است. حتی با تسلط طالبان و ممنوعیت اعلامی کشت خشخاش، آمار بیانگر این است که در دو سال اخیر میزان تولید مواد مخدر در افغانستان افزایش‌یافته است. در کنار این مسئله، موج پناهندگان افغان مطرح است که به‌دلیل جنگ‌های طولانی، زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی برای تأمین معیشت، مردم افغانستان به امید زندگی بهتر، به سمت ایران، پاکستان، ترکیه و درنهایت اروپا رهسپار می‌شوند. این مسائل و چالش‌ها، زمینه و بستر مساعدی را برای تهدید بزرگ‌تری، تحت عنوان بنیادگرایی فراهم نموده است؛ و باعث‌شده تا در فضای سنتی، مذهبی و قومی خاص افغانستان، بنیادگرایان جای پای محکمی برای خود فراهم سازند. القاعده را می‌توان محصول فقدان امنیتی دانست که براثر تهاجم قوای اتحاد جماهیر شوروی و حمله ایالات‌متحده آمریکا پدید آمد و بعدها در اشکال مختلفی به‌مانند داعش بازتولید و فعال شد. برای یافتن راه‌حل مؤثر در جهت منافع ملی ایران، شناخت صورت‌مسئله و معمای تهدیدهای افغانستان امری حیاتی است. با تسلط طالبان در دو سال اخیر این سه بحران در ابعاد و اشکال جدیدی بازتولید شده‌اند.

**3-1-1. ژئوپلیتیک مواد مخدر؛ توزیع در جغرافیایی جهانی**

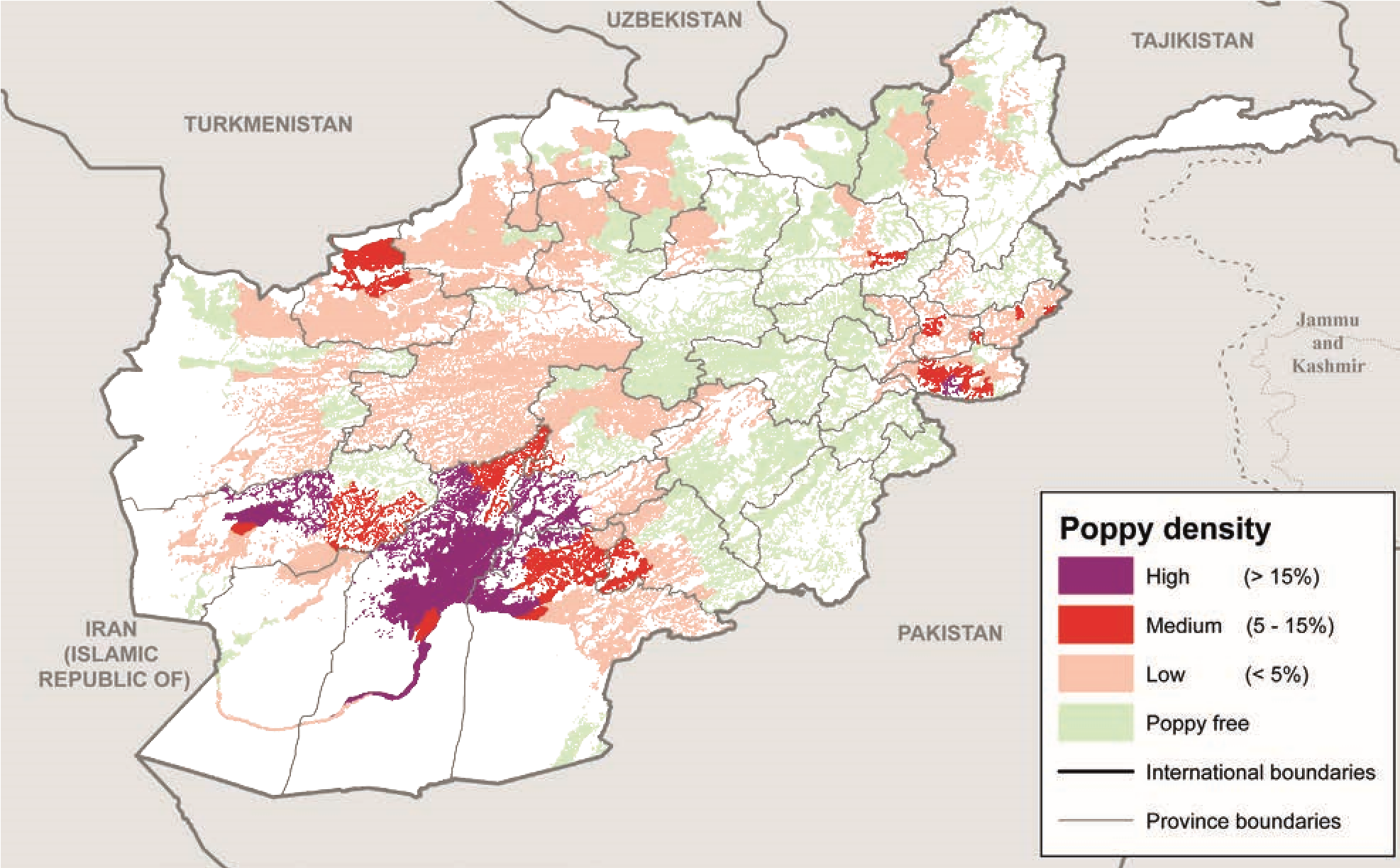
هرگونه پژوهشی درباره افغانستان بدون توجه به اقتصاد تریاک یا «اقتصاد سیاه» ناقص است و هر تلاشی برای تبدیل «اقتصاد جنگ» به «اقتصاد صلح» باید با دیدن نقشی همراه باشد که تریاک در اقتصاد سیاسی افغانستان ایفا می‌کند (خلیلی و دیگران، 1392، ص. 49). گردش مالی سه هزار میلیارد دلاری اقتصاد تریاک باعث‌شده تا بازیگران متنوع و متعددی در سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی دست به نقش‌آفرینی و تبدیل آن به اقتصادی سودآور و درعین‌حال خانمان‌سوز بزنند (زرقانی و رضوی‌نژاد، 1392، ص. 1).

باید توجه داشت که افغانستان در طول تاریخ به‌صورت سنتی تولیدکننده تریاک درسطح جهانی نبوده است. به‌طوری‌که در اوایل قرن هجدهم تنها مقدار کمی تولید تریاک در بدخشان آن‌هم برای مصرف محلی گزارش‌شده است. از آغاز قرن بیستم، مقادیر کمی از این محصول در هرات، غرب افغانستان و در ننگرهار، شرق افغانستان کشت می‌شد؛ اما از اواخر دهه 1970 اتفاقاتی موجب شد تا افغانستان به‌مرور به مرکز تولید تریاک جهان بدل شود. روند صعودی تولید تریاک از 100 تُن در سال 1971 به 8.200 تُن در سال 2007 یک‌روند همواره صعودی را نشان می‌دهد که جز در برخی سال‌های خاص حفظ‌شده است. در این روند به‌مرور افغانستان از برمه پیشی می‌گیرد و به‌مرور سهم خود در بازار را به 93 درصد می‌رساند (نوروزی، 1401).

هم‌زمانی اوج‌گیری تولید مواد مخدر با حمله نظامی اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان به‌هیچ‌عنوان اتفاقی نیست. هرج‌ومرج ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ، بهترین بستر برای توزیع تریاک در سطحی جهانی بوده است. به نظر می‌رسد با تسلط طالبان بر افغانستان در دو سال اخیر هیچ تغییر اساسی در کاهش میزان کشت و تولید مواد مخدر روی نداده است.

اجبار طالبان در اثر تحریم‌ها، عدم به رسمیت شناخته شدن از سوی جامعه جهانی و مسدودسازی اموال افغانستان توسط قدرت‌های غربی، در کنار عدم وجود حکم حرام شرعی برای این ماده مخدر، باعث شده تا این گروه به‌رغم ممنوعیت اعلامی کشت خشخاش، برای تأمین معیشت افغان‌ها در این شرایط سخت پس از جنگ، چشم خود را بر روی تولید مواد مخدر ببندند. همچنین پایبندی مجاهدین طالبان به عدم استفاده از این مواد در افغانستان آن‌ها را به این استدلال رسانده که در بهترین حالت این بلای عظیم گریبان مشرکان و کافران را در کشورهای دیگر خواهد گرفت.

**شکل شماره 1: نقشه تراکم کشت خشخاش در زمین‌های کشاورزی افغانستان، 2022**



Source: National monitoring system implemented by UNODC

درهمین‌راستا، باتوجه به گزارش تحقیق منتشرشده توسط دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد[[5]](#footnote-5)، در سال 2022، کشت تریاک در افغانستان با ۳۲ درصد افزایش نسبت به سال قبل، به 233.000 هکتار رسیده است.

**شکل شماره 2: سطح زیر کشت تریاک و تولید تریاک در افغانستان (1994-2022)**



Source: National monitoring system implemented by UNODC

آمار ارائه‌شده از سوی دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد بیانگر حقیقتی بسیار تکان‌دهنده و درعین‌حال عجیب است. حتی باوجود ایجاد دولت مرکزی توسط آمریکا، افغانستان صدرنشینی خود را در تولید مواد مخدر، بیش از هرزمان دیگری ثابت‌کرده است. به‌طوری‌که در سال 2017 که جمهوری اسلامی افغانستان با حمایت ناتو و قدرت‌های غربی، حکومت را در دست داشت، میزان تولید مواد مخدر در این برهه زمانی رکورد تاریخی را ثبت کرده است.

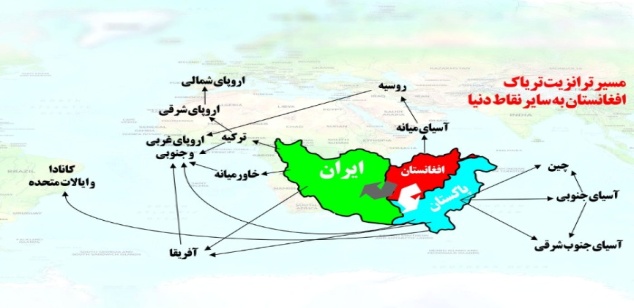
درواقع لزوماً قانون اعلامی از سوی دولتی گماشته، نمی‌تواند به الزام عملی برای مردمان افغانستان تبدیل شود؛ چراکه ساختار جغرافیایی و ویژگی‌های قومی و دینی خاص این کشور مانع اصلی در این مسیر است.

باید تأکیدکرد که تهدید مواد مخدر در مقایسه با تهدیدهای دیگر، چالشی پایدار و ماندگار است. همچنین براساس گزارش مذکور، درآمد کشاورزان از فروش تریاک از 425 میلیون دلار در سال 2021 به 4/1 میلیارد دلار در سال 2022 رسید.

**شکل شماره 3: ارزش تریاک در مزرعه، 2008-2022**

Source: National monitoring system implemented by UNODC

این مبلغ هنوز تنها بخشی از درآمد حاصل از تولید و قاچاق در داخل کشور است. کشف و ضبط مواد افیونی در سراسر افغانستان نشان می‌دهد که قاچاق تریاک و هروئین افغانستان متوقف‌نشده است و افغانستان 80 درصد تقاضای جهانی مواد افیونی را تأمین می‌کند. تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان دارای آثار و پیامدهای زیانباری برای همسایه‌های این کشور به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است.

شکل شماره 4: مسیر ترانزیت تریاک افغانستان به سایر نقاط دنیا

**منبع: سام گیس، 1401**

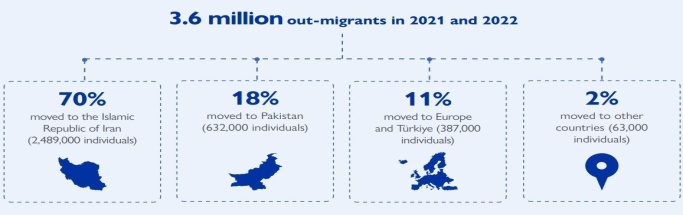
معبر اصلی انتقال مواد مخدر تولیدی در افغانستان به بازارهای اروپا از راه فضای سرزمینی ایران، در برگیرندة چند امتیاز کمتر قابل جایگزین است؛ این معبر نسبت به معبرهای کشورهای شمالی و جنوبی تک جداره است. درواقع انتقال مواد از طریق آسیای مرکزی به اروپا، نیازمند عبور این مواد از فضای سرزمین چند کشور است، درحالی‌که معبر ایران بدون واسط دیگری به ترکیه و اروپا منتهی می‌شود. کوتاهی مسیر و فضاهای تقریباً خالی (کویر پهناور لوت و کویر نمک) بخشی از این امتیازات است. همین ویژگی ممتاز معبری، باعث حمل گالن (مورفین) این مواد از ایران به اروپا بوده است؛ یکی از نتیجه‌های ورود این مواد به ایران، بالارفتن آمار معتادان و جرم و جنایت‌های ناشی از ترانزیت و توزیع این مواد در کشور بوده است (کریمی پور، 1379، ص. 98-99).

**3-1-2. آوارگان و پناهجویان افغانستانی**

ورود افغانستانی‌ها به ایران در تاریخ معاصر در چندین موج صورت گرفته است؛ از سده ۱۹ میلادی که ناآرامی‌های داخلی ده‌ها هزار نفر از مردم افغانستان را به سمت ایران روانه کرد، تا هجوم سیاسی و سپس نظامی کمونیست‌ها به افغانستان که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی و گشایش درهای کشورمان به روی آوارگان ‌همسایه شرقی شد.

در ادامه و در پی تحولاتی مانند جنگ داخلی پس از خروج ارتش شوروی از افغانستان، روی کار آمدن طالبان، حمله آمریکا و بازگشت طالبان که تابستان ۱۴۰۰ توانست بار دیگر حکومت را در دست گیرد، امواج دیگری شکل‌گرفت و هزاران نفر از افغانستان راهی ایران شدند (کاظمی،1401). سازمان بین‌المللی مهاجرت اعلام کرد در فاصله سال‌های 2021 و 2022 میلادی 6/3 میلیون افغان به دیگر کشورها مهاجرت کرده‌اند.

براساس این گزارش، از این میان 70 درصد (5/2 میلیون نفر) به ایران، 18 درصد (632 هزارنفر) به پاکستان، 11 درصد (387 هزار نفر) به ترکیه و اروپا و 2 درصد دیگرشان (63 هزار نفر) به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. از میان 6/3 میلیون نفر، 9/1 میلیون نفر در سال 2021 مهاجرت کردند، سالی که نظام جمهوریت سقوط کرد و طالبان برای بار دوم در افغانستان به قدرت رسید (خبرگزاری تسنیم، 1402).



**شکل شماره 5: پناهندگان و مهاجران افغانستانی (2021-2022)**

**منبع: خبرگزاری تسنیم،1402 به نقل از: سازمان بین‌المللی مهاجرت، 2022**

اگرچه پناهندگان و مهاجران افغان، نقش مؤثری در چرخه اقتصاد ملی ایران به‌ویژه در بخش‌های پرزحمت و طاقت‌فرسا دارند و با توان و تحمل زیاد، دستمزد کمتر و قناعت‌پیشگی، نیروهای مؤثر کاری به شمار می‌آیند؛ اما پیامدهای اجتماعی و امنیتی به‌مانند تشدید آمدوشدهای غیرقانونی و مرزی، فشار بر امکانات خدماتی و زیربنایی، جاسوسی، تغییر ترکیب مذهبی، گسترش قاچاق کالا و مواد مخدر، عملیات تروریستی و... دربرداشته است (کریمی پور، 1379، صص. 100-101).

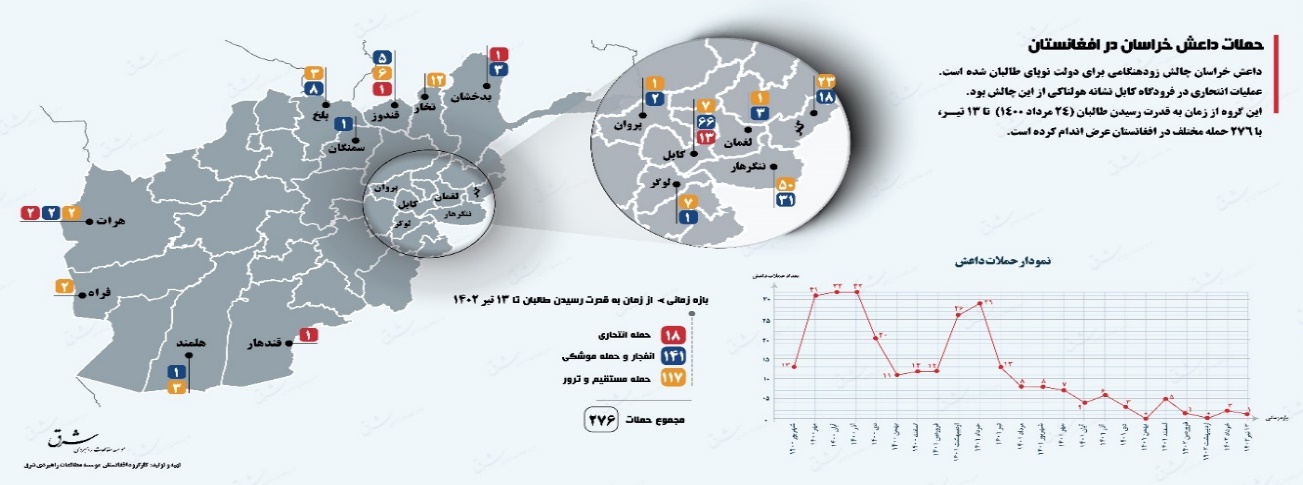
سیل آوارگان و پناهندگان افغان علاوه بر اینکه پدیده‌ای اجتماعی است، ابعاد و تهدیدات ویرانگر امنیتی نیز با خود به همراه داشته است. بعد همه‌گیر مهاجرت و حضور افغان‌ها در کشورهای مختلف جهان آن را به مسئله‌ای جهانی که نیازمند راه‌حلی جهانی است، تبدیل‌کرده است. ایران، ‌همواره در خط مقدم این تهدیدها به‌ویژه حضور میلیونی آوارگان جنگ‌زده افغانستانی بوده است و با هزینه‌های بسیاری دراین‌راستا مواجه شده است.

**3-1-3. بنیادگرایی اسلامی (داعش)؛ تهدیدی فرازمانی و مکانی**

بنیادگرایی لزوماً یک ایدئولوژی و برداشت افراطی از دین اسلام نیست. این پدیده برای رشد خود نیازمند یک سری زمینه‌ها و شرایط ویژه‌ای است. جذب نیروهای بنیادگرا از میان مردمانی فقیر و جنگ‌زده و درعین‌حال شجاع و دین‌دار، بستری است که افغانستان تمامی آن‌ها را در خود جای‌داده است.

بنیادگرایی یکی از ریشه‌های مهم افراط‌گری و تروریسم است. این مفهوم به آن معنا نیست که هر فرد بنیادگرا یعنی تروریسم، و تروریسم مساوی با بنیادگرایی است؛ بلکه بنیادگرایی و تأکید بر چهارچوب‌های خشک تفکرات سخت و بدون انعطاف، راه را برای تعصب بیش‌ازحد باز می‌کند و تعصب بیش‌ازحد به افراط‌گری منتهی می‌شود و افراط‌گری می‌تواند انسان را به سمت تروریسم سوق دهد (موصللی، 1388، ص. 88-89).

در 20 سال گذشته، طالبان تهدید شماره یک امنیتی علیه حاکمیت افغانستان و نیروهای نظامی مستقر آمریکایی محسوب می‌شد. اما با سقوط حکومت اشرف غنی و به حاکمیت رسیدن طالبان، اکنون داعش درصدرِ تهدیدات امنیتی علیه امارت اسلامی افغانستان و نیز کشورهای جهان قرارگرفته است. آغاز دور جدید حملات داعش که با حمله انتحاری در فرودگاه کابل کلید خورد، توانست توجه جهانیان را به خود جلب کند و پس‌ازاین آغاز خونین، عملیات‌های متعددی شامل انفجار، سربریدن، ترور و حمله انتحاری را عمدتاً علیه مردم افغانستان به‌کار گرفته است (حسینی و اخگری،1402).

شکل شماره 6: اینفوگرافیک حملات داعش از زمان به قدرت رسیدن طالبان تا 13 تیر 1402

منبع: حسینی و اخگری، 1402

**3-2. رویکردهای فرصت‌ساز برای ایران در قبال افغانستانِ طالبان**

کارکرد بهینه هر دستگاه مکانیکی، ارگانیکی و حتی سیاسی در وابستگی اساسی با اجزای هماهنگ آن است. چینش اجزا و ایجاد هارمونی لازم برای دریافت بهترین نتیجه، پیش‌نیاز اصلی در ارائه یک دستگاه نظری و عملی است. جبر جغرافیایی افغانستان در کنار موقعیت پیوندگاهی ایران، امکان‌ها و امتناع‌هایی برای ارائه راه‌کارهای مؤثر در اختیار ما قرار می‌دهد. استفاده بهینه از داشته‌ها، اصل اول در طراحی این دستگاه پیچیده، مبهم و نامتعادل است. درواقع متغیر اصلی پژوهش به‌قدری دارای تحولات سیال و غیرقابل کنترل است که نمی‌توان تنها با به‌کارگیری یک ابزار به نتیجه رسید. بنابراین ما نیازمند ترکیب هوشمندانه‌ای از دیپلماسی فعال اقتصادی و جلب همکارهای جامعه جهانی در بستر این جغرافیای ویژه هستیم. باید تأکیدداشت بدون رویکردی راهبردی و طولانی‌مدت نمی‌توان دستگاه نظری و عملی مؤثر و پایداری طراحی و پیشنهاد کرد.

**3-2-1. جبر جغرافیایی افغانستان و موقعیت پیوندگاهی ایران**

دولت‌های محصور در خشکی برای دسترسی به دریا هیچ راهی جز عبور از سرزمین کشور دیگری که سر راه آن‌ها واقع‌شده ندارند. برای غلبه بر این تنگنا و جبر جغرافیایی، دولت‌های محصور در خشکی باید با کشورهای دریایی همسایه خود رابطه‌ای خوب داشته باشند (میرحیدر و دیگران، 1396، صص.151-154). افغانستان ازجمله کشورهایی است که به دلیل محصور‌شدن در خشکی یا نداشتن دسترسی به دریا، از یک جبر جغرافیایی و تنگنای ژئوپلیتیکی رنج می‌برد. در مقابل، ایران به لحاظ موقعیت ارتباطی، در محور شمال- جنوب، دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا و آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. ازاین‌رو، ایران در معرض تعاملات، استراتژی‌ها، جابه‌جایی‌ها و پدیده‌هایی قراردارد که به هر نحو با موقعیت ارتباطی ایران مرتبط باشند (حافظ نیا، 1395، ص. 15). سرزمین هیچ کشوری در جهان نیست که 15 درب به آن باز شود و همه این همسایگان نیازمند ارتباط پیوسته با یکدیگرند (کریمی‌پور، 1394، ص. 76). باید توجه داشت که حداقل از حیث موقعیت جغرافیایی، افغانستان و ایران هیچ همسایه‌ای را برای همکاری و همگرایی فراتر از خود نخواهند شناخت؛ چراکه این دو یک روح در دو قالب و یا به عبارت بهتر برادران جدا افتاده یا جدا انداخته‌شده یکدیگرند. ضرورت دارد تا افغانستان و ایران یکدیگر را درک‌کرده و نیاز به پیوند و پیوستگی را وجدان کنند (کریمی‌پور، 1394، ص. 169). بنابراین می‌توان گفت که جغرافیای ایران این ظرفیت را دارد که زمینه‌ساز ایجاد ارتباط میان افغانستان و کشورهایی باشد که علاقه‌مند به حضور در بازار این کشور و سرمایه‌گذاری در آن هستند. بنابراین ایران باید گذرگاهی باشد که حضور این کشورها در افغانستان از طریق آن رقم بخورد. به‌عنوان‌مثال ایران می‌تواند به گذرگاهی که هند را به افغانستان متصل کند، تبدیل شود؛ البته باوجوداینکه باروی کار آمدن طالبان روابط با هند به گرمی قبل نیست، اما نقش میانجی‌گری را ایفا و از ظرفیت‌های بندر چابهار برای فعال‌کردن قابلیت‌ها و استعدادهای آبی، کشاورزی، معدنی، معبری و حتی هیدروکربنی افغانستان برای توسعه اقتصادی این کشور استفاده نماید (عظیم نیا، 1402). درمجموع محصوربودن افغانستان در خشکی و مسائل ناشی از آن، عنصری پایدار در روابط دو کشور همسایه محسوب می‌شود (کریمی‌پور، 1379، ص. 94).

**3-2-2. ارتقای ضریب امنیت در سایه دیپلماسی اقتصادی فعال**

افغانستان به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و ساختار قومی ویژه‌ای که دارد، در طول چندین دهه گذشته، به منبعی دائمی، برای صدور بحران و تهدید در قبال ایران تبدیل‌شده است. ازاین‌رو، «ایجاد امنیت پایدار» برای ایران یک اولویت راهبردی محسوب می‌شود. در میدان افغانستان، دیپلماسی اقتصادی یکی از ابزارها و تاکتیک‌هایی است که باید ذیل راهبرد امنیتی تعریف و عملیاتی شود. توجه به این نکته ضروری است که لازمه روابط اقتصادی مؤثر، وجود امنیت پایدار است. تجربه توسعه اقتصادی و تجاری غرب در یک‌صد سال اخیر نشان‌داده است که امنیت، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی، نقش کلیدی در تثبیت توسعه سیاسی و اقتصادی غرب ایفا کرده است. براین‌اساس، در مورد همسایه شرقی ایران نیز، «اقتصاد» باید در خدمت «امنیت» به‌کار گرفته شود. همکاری در حوزه اقتصادی، می‌تواند حداقل تضمین‌کننده امنیت، در مناطق و گلوگاه‌های اقتصادی میان دو کشور باشد.

با تسلط طالبان در سال 2021، ماهیت روابط سیاسی و اقتصادی ایران با افغانستان، دچار تغییرات ساختاری و تحولات آن قرارگرفته است؛ به‌طوری‌که طالبان با خوانش ویژه‌ای که از دین اسلام دارد، برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و حکمرانی خود را تنظیم می‌کند و در این مسیر رفتاری بسیار ایدئولوژیک دارد. ازاین‌رو، برای داشتن دیپلماسی اقتصادی موفق در افغانستان، باید ظرفیت‌های اقتصادی و بازار این کشور، براساس تغییر و تحولات ساختاری بازنگری و بازنویسی شود. به‌عنوان‌مثال طالبان به‌شدت با فروش کالاهای لوکس و حتی برخی کالاهای مصرفی مقابله می‌کند، چراکه معتقد است این کالاها موجب ترویج مصرف‌گرایی در جامعه اسلامی افغانستان می‌شود. هرکالا و هر عمل اجتماعی و فرهنگی که بوی مصرف‌گرایی داشته باشد طالبان باقدرت با آن برخورد می‌نماید. بنابراین نیاز است تا سازوکارهای جدیدی برای ایجاد دیپلماسی اقتصادی موفق ایران در رابطه با طالبانِ افغانستان تعریف شود.

بررسی اقلام صادراتی و مزیت‌های نسبی این کشور برای اقتصاد ایران ازجمله خوگرفتن ذائقه میلیون‌ها افغانستانی با کالاهای ایرانی و توانایی ایران در صدور خدمات فنی و مهندسی (عباسی و رنجبردار، 1390، ص. 224) همچنین مشارکت و سرمایه‌گذاری در منابع معدنی و پروژه‌های زیربنایی، تنها بخشی از واقعیت دیپلماسی اقتصادی ایران است؛ بااین‌وجود نباید فراموش کرد که در چند دهه اخیر، افغانستان در مقاطع متوالی و متداوم، تهدید امنیتی برای ایران بوده است؛ و معمای امنیتی افغانستان، همواره مانعی برای دیپلماسی اقتصادی موفق بوده است. تنها در مقطع بسیار کوتاهی ایران توانست در صدر کشورهای صادرکننده به افغانستان قرارگیرد. اما بار دیگر تنش‌های گفتمانی و اختلافات جغرافیایی و مرزی، مانع تثبیت توان اقتصادی ایران در میدان افغانستان شد. دائمی‌بودن تنش‌های گفتمانی باعث‌شده تا هرگز نتوان خوش‌بینانه در مورد دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان صحبت کرد. باید توجه داشت که بازتولید تهدیدهای سه‌گانه جهانی که افغانستان مقام اول صادرات آن به کشورهای منطقه و غرب را دارد، یکی از فرصت‌هایی است که می‌تواند تهدیدهای بالقوه و بالفعل افغانستان را برای ایران، به فرصت‌های اقتصادی و امنیتی تبدیل کند. بدین‌صورت که ایران به‌عنوان خط مقدم دیپلماسی اقتصادی و نیز مخاطب اصلی تهدیدهای سه‌گانه جهانی، باید بتواند از ابزارهای دیپلماتیک خود در جهت رفع این تهدیدها استفاده نماید. درواقع ایران با طرح این سه تهدید در جامعه جهانی، باید همراهی کشورهای ذی‌نفع در این حوزه را در جهت افزایش ضرایب اقتصادی و امنیتی خود در قبال افغانستان، جلب نماید. درمجموع بایدگفت که سیاست‌گذاری اقتصادی ایران در کشور افغانستان در قدم نخست باید بر مبنای فهم و شناسایی رخدادهای حادث‌شده در این کشور ساماندهی شود. بااین‌وجود باید تلاش‌کرد تا حد امکان مسیرهای موجود اقتصادی در حوزه‌های تجارت، ترانزیت و صدور انرژی به افغانستان تداوم داشته باشد و همچنین می‌توان با بهره‌گیری از اشتراکات زبانی و فرهنگی، گام‌های جدی‌تری برای پویایی هرچه بیشتر صنعت گردشگری‌های سلامت و مذهبی حداقل در استان‌های شرقی کشور برداشت. در جهان امروز، از گردشگری سلامت و توریسم درمانی به‌عنوان یک راه‌کار برای افزایش درآمد ملی استفاده می‌شود (ایزدی و دیگران، 1391، ص. 69). بنابراین ایران با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی همچون «تجهیزات مدرن درمانی و نیروهای متخصص پزشکی» می‌تواند مطلوب‌ترین مقصد گردشگری سلامت، برای شهروندان ‌همسایه شرقی خود باشد. شیعیان افغانستان بیش از 20 درصد از جمعیت 40 میلیونی افغانستان را تشکیل می‌دهند، این ویژگی با هماهنگی‌های دیپلماتیک و اصلاح قوانین در رفت‌وآمدهای مرزی، می‌تواند در نزدیکی هرچه بیشتر فرهنگی دو کشور و نیز آورده اقتصادی برای ایران مؤثر واقع شود.

**3-2-3. جلب همراهی و همکاری جامعه جهانی با محوریت ایران**

ترس از تهدید به‌اندازه خود تهدید مؤثر است. با این استدلال دستگاه دیپلماسی ایران باید در راستای جلب نظر و همراهی جامعه جهانی به‌ویژه غرب برای کاهش تهدیدات سه‌گانه فعال شود. مواد مخدر با عبور از ایران و ترکیه به سمت اروپا و آمریکا گسیل می‌شود. همچنین سیل پناهندگان به مقصد ایران، پاکستان و ترکیه و درنهایت اروپا به‌عنوان تهدید امنیتی، تمامی این کشورها را با چالش‌های بسیاری مواجه کرده است. علاوه بر این، تهدیدها و رفتارهای بنیادگرایان اسلامی نشان‌داده که در مقاطع خاص می‌توانند در قلب اروپا عملیات تروریستی انجام دهند. به باور کارشناسان، حمله‌های داعش در سال 2015 در شهر پاریس از منظر ابعاد عملیاتی، بزرگ‌ترین عملیات تروریستی این گروه در خارج از قلمرو تحت کنترل آن بوده است (امیراحمدیان، 1394). هرچند در طی دهه‌های گذشته ایران با تقدیم شهدای مرزبانی بسیاری توانسته است تهدیدات بزرگ امنیتی را کاهش دهد، اما باید گفت که ایران به‌تنهایی قادر به مقابله با این حجم تهدید نیست. بنابراین ازآنجایی‌که این تهدیدها جهانی است، جهانیان نیز باید سهم خود را برای برقراری امنیت و دفع این تهدیدها پرداخت نمایند. تمامی این تهدیدها در شرایطی بازتولید شده است که با خروج آمریکا از افغانستان، طالبان توانست تنها قدرت مطلق در این کشور باشد. هرچند پیش‌تر قدرت‌های بزرگی همچون اتحاد جماهیر شوروی و بعدها ناتو به رهبری آمریکا در افغانستان حضور فعال داشتند، اما امروز در میدان افغانستان طالبان، بازیگران دیگری همچون پاکستان، ترکیه، عربستان سعودی و قطر به‌عنوان نیروهای تأثیرگذار مطرح هستند؛ اما دغدغه مهم این است که هیچ‌یک از این کشورها، ظرفیت‌های سیاسی و نظامی لازم برای تبدیل‌شدن به بازیگر نقش اول را در این سناریوی امنیتی ندارند. درمجموع باید گفت که افغانستان امروز با چند مسئله مواجه شده است؛ آمریکا به‌عنوان قدرتی بزرگ بعد از دو دهه از این کشور خارج‌شده، طالبان به‌عنوان گروه مسلط قدرت را در دست گرفته، شرایط اقتصادی این کشور دچار تلاطم‌ها و پیچیدگی‌های شدیدی شده است و مردم افغانستان نیز با چالش‌های حیاتی همچون قحطی و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در چنین شرایطی، بنابرگزارش سازمان ملل متحد، 17 میلیون نفر در افغانستان در سال 2023 با گرسنگی حاد روبرو هستند و این کشور در معرض بالاترین خطر قحطی قرار دارد. این درحالی است که بنابر اعلام دفتر هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد، کمک‌های غذایی به افغانستان نیز در سال 2023 نسبت به گذشته، ۲۵ درصد کاهش‌یافته است ([خبرگزاری](https://www.tasnimnews.com) تسنیم، 1402) همچنین، با روی کارآمدن طالبان، محدودیت‌های مالی و ارزی اعمالی از سوی جامعه جهانی به‌ویژه آمریکا، بر مشکلات جامعه افغانستان افزوده است.

درچنین شرایطی به‌نظر می‌رسد، طالبان برای ایجاد ثبات اقتصادی کشور، نقش کشورهایی همچون چین را برجسته‌تر از پیش می‌داند. درواقع گردش به شرق افغانستان به‌مانند مسئله تحریم در ایران، ناشی از عدم همکاری از جانب طرف غربی است. باید توجه‌داشت که طالبان در طی این دوسال نشان‌داده است که بر روی مسئله تأمین معیشت حساس و فعال است. به‌طوری‌که در مدت بسیار کوتاهی از تسلط خود بر افغانستان، مرزهای گمرکی خود با همسایگان را به‌سرعت فعال نمود و فراخوانی برای سرمایه‌گذاری درمعادن و زیرساخت‌های افغانستان به‌ویژه راه‌های ارتباطی منتشر کرد. این مسئله به‌تنهایی نشان می‌دهد طالبانِ امروز، در رویکرد خارجی متفاوت‌تر از طالبانِ دیروز است. بنابراین ایران در چنین شرایطی به‌عنوان ‌همسایه‌ای توانمند در حوزه‌های مختلف اقتصادی و مهندسی، می‌تواند رقیب سرسختی برای سایر همسایگان و بازیگران در فضای افغانستان باشد. لازمه پیشتازی ایران در عرصه اقتصادی افغانستان، بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای دیپلماتیک و جلب همراهی و همکاری جامعه جهانی است؛ به‌ویژه نقش چین به‌عنوان متحدی راهبردی، می‌تواند موانع موجود بر سر راه ایران را به‌مانند میانجی گری این قدرت، میان ایران و عربستان سعودی هموار سازد. لزوم هماهنگی و همکاری مؤثر با دولت چین درباره افغانستان، می‌تواند ایران را به اهداف اقتصادی و امنیتی خود نزدیک‌تر کند.

**نتیجه‌گیری**

افغانستان منشأ صدور سه تهدید بزرگ جهانی است. این کشور بحران‌زا و بحران‌زیست، به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان، در نبود زیرساخت‌های اقتصادی لازمی که بتواند معیشت مردمان خود را تأمین کند، به تولید هرچه بیشتر کشت خشخاش روی آورده و خواهد آورد. معبر و مقصد اصلی مواد مخدر تولیدی در وهله اول، ایران و درنهایت کشورهای اروپایی و غربی است. درکنار این تهدید سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی، سیل عظیم مهاجران، پناهجویان و آوارگان جنگ‌زده که به دلایل اقتصادی و امنیتی از افغانستان خارج و به سمت ایران، پاکستان، ترکیه و اروپا سرازیر می‌شوند، مؤلفه دوم و تهدید امنیتی برای کشورهای مقصد است. باوجود جمعیت بالای آوارگان افغانستانی در کشورهای اروپایی، ایران بالاترین سهم از این میهمانان ناخوانده را دارد. این دو عامل در کنار عامل سوم یعنی بنیادگرایی اسلامی (داعش)، موجب پیچیدگی هرچه بیشتر این معمای امنیتی شده است. به‌طوری‌که باوجود تسلط نسبی طالبان در افغانستان، نیروهای بنیادگرای اسلامی به‌مانند داعش در طی دو سال اخیر اقدام به بمب‌گذاری و تهدیدات تروریستی بسیاری کرده‌اند. ازاین‌رو، هنوز تهدید داعش برای کشورهای منطقه و جهان پابرجا است.

با نگاه و رویکردی غیرمرسوم و درعین‌حال راهبردی می‌توان این سه تهدید جهانی را به فرصت‌هایی در جهت تأمین منافع ملی ایران تبدیل کرد. درهمین‌راستا ایران با طرح این سه تهدید جهانی، باید بتواند همکاری هرچه بیشتر سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای غربی را در جهت توسعه اقتصادی و سیاسی افغانستانِ طالبان جلب کند.

ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی خاص خود می‌تواند نقشی راهبردی را در میان ‌همسایگان افغانستان طراحی و اجرا کند. به‌همین منظور، ضروری است تا مزیت‌های اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای همسایه افغانستان مورد بازنویسی و بازتعریف قرارگیرد. درواقع باید توان و مزیت‌های اقتصادی کشورهایی به‌مانند چین، هند، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و... در حوزه‌های انرژی، صنایع غذایی، صنعت فولاد، تجهیزات مدرن و تکنولوژیک و نیز صادرات خدمات فنی و مهندسی مورد ارزیابی و تحلیل دوباره قرارگیرد. بنابراین در فضای پس ‌از خروج آمریکا، نیاز به بازنگری و بروزکردن این بازار است؛ چراکه دغدغه‌های فرهنگی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی طالبان، با دولت پیشین افغانستان بسیار متفاوت است. ایران باید بتواند در کنار اقلام صادراتی خود، از اشتراکات فرهنگی و دینی، برای توسعه صنعت توریسم پزشکی و مذهبی بهره‌برداری نماید. تمام این اهداف و منافع باید ذیل تأمین امنیت پایدار و پاسخ به دغدغه‌های امنیتی ایران تعریف شود.

درهمین‌راستا و در جهت تکمیل پروسه امنیتی، ایران با فعال‌سازی دستگاه دیپلماسی خود نزد سازمان‌های جهانی، باید بتواند همکاری کشورهای غربی را برای تضمین منافع امنیتی مدنظر خود به کار گیرد. همان‌طور که در بحث مبارزه با مواد مخدر، ایران بیشترین هزینه و شهید را در این راه صرف‌کرده است و کشورهای اروپایی همواره کمک‌های تجهیزاتی و مالی برای ایران درنظر گرفته‌اند؛ این تهدیدات با حضور داعش در افغانستان و نیز سیل مهاجران ابعاد بسیار خطرناک‌تری به خود می‌گیرد که می‌توان بر سر آن‌ها با کشورهای اروپایی و غربی چانه‌زنی کرد. به‌عبارتی‌دیگر، ایران با این رویکرد از یک تهدید مشترک جهانی، در جهت منافع اقتصادی و رفع دغدغه‌های امنیتی خود بهره خواهد برد.

ایران با این کار به دو هدف مهم دست پیدا می‌کند؛ نخست اینکه هزینه مقابله با این سه تهدید را به‌تنهایی متحمل نمی‌شود و در وهله دوم، منافع اقتصادی و امنیتی خود در افغانستان را تضمین خواهد کرد؛ چراکه با تضمین منافع اقتصادی در افغانستان، نگرانی‌های امنیتی نیز کاهش خواهد یافت. همواره در طول تاریخ، اقتصاد پایدار نیازمند امنیت پایدار بوده است. بنابراین سرمایه‌گذاری و رهبری ایران در ایجاد امنیت پایدار افغانستان نه‌تنها تأمین‌کننده منافع استراتژیک ایران در این کشور خواهد بود، بلکه می‌تواند ایران را به‌عنوان درب اصلی دیپلماسی اقتصادی و سیاسی افغانستان برای جهان معرفی کند. درمجموع می‌توان گفت که حل معمای امنیتی افغانستان در سایه فاعلیت دیپلماسی اقتصادی ایران و همراهی بازیگران مؤثر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای امکان‌پذیر است. لازم به تأکید است که این رویکرد باید راهبردی، ترکیبی و پایدار باشد.

***فهرست منابع***

* ارغوانی پیرسلامی، فریبرز؛ علی‌پور، حسین (1401). ***فرصت‌ها و چالش‌های دیپلماسی اقتصادی چین در آسیای مرکزی***. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، 11(1)، 27-58.
* اسماعیلی، مصطفی؛ فراهانی، روح‌الله (1401). [***پیامدهای امنیتی خروج آمریکا از افغانستان بر جمهوری اسلامی ایران: با تاکید بر گسترش تحرکات گروهک‌های تکفیری و تروریستی***](https://frqjournal.csr.ir/article_166421_7d6e4739902ffa29b9e7e556523db2e3.pdf). فصلنامه روابط خارجی، 14(4)، 107-139.
* ایزدی، مرتضی؛ ایوبیان، علی؛ نصیری، طه؛ جنیدی، نعمت‌الله (1391). ***وضعیت گردشگری سلامت در ایران؛ فرصت و تهدید***. مجله طب نظامی، 14(2)، 69-75.

##### ترابی‌فرد، میلاد؛ رزم‌آهنگ، مهدی؛ قاسمی، فرزان (1401). [*خنثی‌سازی تحریم و جانمایی جدید اقتصاد ایران در عرصه بین‌الملل به‌مثابه نقشه راه جدید دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران*](https://frqjournal.csr.ir/article_166422.html). فصلنامه روابط خارجی، 14(4)، 75-140.

* حافظ نیا، محمدرضا (1395). ***جغرافیای سیاسی ایران***. تهران: سمت.
* حسینی، سیده لطیفه؛ حسینی، نرگس سادات؛ حسینمردی، محمدمهدی؛ عصمتی، زینب (1401). [***مسئولیت حمایت و‌ استیلای طالبان بر افغانستان درپرتو دیالکتیک هنجارهای بشری***](https://frqjournal.csr.ir/article_166425.html). فصلنامه روابط خارجی، 14(4)، 253-273.
* خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛صیادی، هادی (1392). ***پیوندِ کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)***. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، 1(9)، 37-73.
* دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ صالحی، مختار (1391). ***دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران؛ (با تأکید بر پنج شاخص جهانی‌شدن اقتصاد)***. فصلنامه پژوهش اقتصادی ایران، 17(52)، 73-114.
* رامیار، سید جواد؛ مجدی، علی‌اکبر؛ مظلوم خراسانی، محمد (1397). ***نقش کمک‌های خارجی در توسعه اقتصادی- اجتماعی افغانستان***. دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، 6(13)، 1-32.
* راوندی، بهار؛ برزگر، کیهان؛ ازغندی، علیرضا (1401). ***ارائه الگوی راهبردی سیاست همسایگی برای ج.ا. ایران***. فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی،14(52)، 1-15.
* زرقانی، سید هادی؛ رضوی نژاد، مرتضی (1392). ***ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی (نمونه موردی: مرز خراسان رضوی با افغانستان)***. پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، 1(1)، 1-27.
* کاویانی‌راد، مراد (1390). ***پردازش مفهوم امنیت زیست‌محیطی (رابطه امنیت و اکولوژی)***. فصلنامه ژئوپلیتیک، 7(3)، 80-100.
* کریمی‌پور، یدالله (1379). ***مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)***. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت‌معلم.
* کریمی‌پور، یدالله (1394). ***جغرافیا، نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان)***. تهران: انتخاب.
* عباسی، ابراهیم؛ رنجبردار، مجید (1390). ***کمک‌های مالی ایران به افغانستان: اهداف و آثار اقتصادی آن***. فصلنامه روابط خارجی، 3 (11)، 195-229.
* عسکری کرمانی؛ صفار، آرش (1401). ***پیامدهای ظهور دوباره طالبان برای دیپلماسی اقتصادی ایران در افغانستان***، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، 14(1)، 97-121.
* متقی، افشین (1395). [***تحلیل تطبیقی احساس امنیت در قلمروهای مرزی(نمونه‌ی موردی؛ کردستان ایران و کردستان عراق)***](https://ensani.ir/fa/article/420821/%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84-%D8%AA%D8%B7%D8%A8%DB%8C%D9%82%DB%8C-%D8%A7%D8%AD%D8%B3%D8%A7%D8%B3-%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C%D8%AA-%D8%AF%D8%B1-%D9%82%D9%84%D9%85%D8%B1%D9%88%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B1%D8%B2%DB%8C-%D9%86%D9%85%D9%88%D9%86%D9%87-%DB%8C-%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF%DB%8C-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D9%88-%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82-). فصلنامه [نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، 8(4)، 29-42.](https://ensani.ir/fa/article/journal-number/47308/%D9%86%DA%AF%D8%B1%D8%B4-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%86%D9%88-%D8%AF%D8%B1-%D8%AC%D8%BA%D8%B1%D8%A7%D9%81%DB%8C%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D9%87%D8%B4%D8%AA%D9%85-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D8%B2-1395-%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%D9%87-4-%D9%BE%DB%8C%D8%A7%D9%BE%DB%8C-32-)

##### منوری، سید علی؛ کشوریان آزاد، محسن؛ صداقتی، مبارکه (1401). [*راهبرد چین جهت گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا*](https://frqjournal.csr.ir/article_160974.html). فصلنامه روابط خارجی، 14(2)، 64-93.

* موسوی‌نیا، سید رضا (1401). ***آسیب‌شناسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه همسایگی. فصلنامه مطالعات کاربردی و بنیادین جهان اسلام***، 3(10)، 115-131.
* موصللی، احمد (1388). ***مبانی نظری بنیادگرایی***، ترجمه محمدرضا آرام و علیرضا نظری. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
* میرحیدر، دُرّه؛ راستی، عمران؛ میراحمدی، فاطمه سادات (1396). ***مبانی جغرافیای سیاسی***. تهران: سمت.
* یوسف زهی، ناصر؛ فرزانه پور، حسین؛ بخشی، احمد (1397). ***آسیب‌شناسی روابط بازرگانی ایران و افغانستان از منظر رهیافت اقتصاد سیاسی (2018-2001)***. پژوهشنامه علوم سیاسی، 13(2)، 187-224.

***منابع اینترنتی***

* امیراحمدیان، بهرام (1394، آبان 24). [***تروریسم داعش در قلب اروپا***](https://www.hamshahrionline.ir/news/313913/%D8%AA%D8%B1%D9%88%D8%B1%DB%8C%D8%B3%D9%85-%D8%AF%D8%A7%D8%B9%D8%B4-%D8%AF%D8%B1-%D9%82%D9%84%D8%A8-%D8%A7%D8%B1%D9%88%D9%BE%D8%A7)**.** روزنامه همشهری. [https://www.hamshahrionline.ir/news/313913](https://www.hamshahrionline.ir/news/313913/)
* حافظ نیا، محمدرضا (۱۴۰۰، شهریور 23). *نشست علمی «****راهبرد بحران زدایی در افغانستان****»؛ پیشنهاد راهبردی دکتر حافظ نیا برای پایان بحران در افغانستان و تحقق صلح در این کشور*. انجمن ژئوپلیتیک ایران. https://iag.ir
* حسینی، جاوید؛ اخگری، سمانه (1402، تیر 13). ***نقشه پراکندگی حملات داعش در افغانستان***. موسسه مطالعات راهبردی شرق. [https://www.iess.ir/fa/event/2815](https://www.iess.ir/fa/event/2815/)
* خبرگزاری تسنیم (2 فروردین 1402). ***کاهش چشمگیر کمک‌های سازمان ملل به افغانستان***. https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/01/02/2870648
* خبرگزاری تسنیم (18 خرداد 1402). ***مقصد اول پناهجویان افغان در دو سال اخیر کدام کشور بوده است***. [https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/03/18/2907886](https://www.tasnimnews.com/fa/news/1402/03/18/2907886/)
* سام گیس، بنفشه (1401، بهمن 19). ***رشد 56 هزار هکتاری کشت خشخاش در نخستین سال حکمرانی طالبان***. روزنامه اعتماد. بازیابی شده از <https://www.etemadnewspaper.ir/fa/Main/Detail/197447>
* کاظمی، سید محمد موسی (1401، خرداد 6). [***پژوهش‌ها درباره مهاجران افغانستانی چه می‌گویند؟***](https://www.irna.ir/news/84762952/%D9%BE%DA%98%D9%88%D9%87%D8%B4-%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1%D8%A8%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D9%85%D9%87%D8%A7%D8%AC%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86%DB%8C-%DA%86%D9%87-%D9%85%DB%8C-%DA%AF%D9%88%DB%8C%D9%86%D8%AF). خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران. <https://www.irna.ir/news/84762952>
* عظیم نیا، وحید (1402، خرداد 10). [***تعامل با طالبان با دیپلماسی اقتصاد و راهبرد چندوجهی ممکن می‌شود***](https://www.javanonline.ir/fa/news/1160765/%D8%AA%D8%B9%D8%A7%D9%85%D9%84-%D8%A8%D8%A7-%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86-%D8%A8%D8%A7-%D8%AF%DB%8C%D9%BE%D9%84%D9%85%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B5%D8%A7%D8%AF-%D9%88-%D8%B1%D8%A7%D9%87%D8%A8%D8%B1%D8%AF-%DA%86%D9%86%D8%AF%D9%88%D8%AC%D9%87%DB%8C-%D9%85%D9%85%DA%A9%D9%86-%D9%85%DB%8C%E2%80%8C%D8%B4%D9%88%D8%AF). روزنامه جوان. <https://www.javann.ir/004ry1>
* نوروزی، مجتبی (1401، خرداد 1). ***جایگاه مواد مخدر در اقتصاد افغانستان. روزنامه شرق***. <https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-846777>

***References***

* UNODC Research Brief (November 2022). *OPIUM CULTIVATION IN AFGHANISTAN Latest findings and emerging threats*.https://www.unodc.org/unodc/frontpage/2022/November/afghanistan-opium-cultivation-in-2022-up-by-32-per-cent\_-unodc-survey.

1. . Neighboring [↑](#footnote-ref-1)
2. . Neighborhood Unit [↑](#footnote-ref-2)
3. . Perry, Clarence A [↑](#footnote-ref-3)
4. . Neighbor [↑](#footnote-ref-4)
5. .UNODC [↑](#footnote-ref-5)